

هو

در سی ام مردادماه سال ۱۳۹۴ ه.ش در پایان ماه مبارک رمضان بود که این جانب را حال خوشی دست داد و اشعاری در سی بیت برایم آمد و به زبان جاری شد. آنها را نگاشتم تا ماندگار باشد، بعدها الفاظ و چینش آنها را اصلاح کردم تا به نظم خاصی نمایان شد؛ سیلابش به عدد اسم شریف «هو» است و گویا این سی بیت با یک شیرین زبانی خاصی به استقبال باب شانزدهم دفتر دل حضرت آقا؛ جناب علامه حسن زاده آملی روحی فداه رفته است...

خسرویار؛ هادی غلامی خسرو_ همدان

به بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ است / که انسان را بسی سِرِّ عظیم است

جهان انسان بُوَد، انسان جهانی / بُوَد در این بسی رمز نهانی

بُوَد رمزش در آن تثلیث عالم / بُوَد سِرِّش در آن تثلیث آدم

بُوَد نوری ز انوارِ الهی / چه دانی رمزِ اسرارِ الهی

گر از بازیگری های خیالی / برون آبی، چه خوش رمزی که دانی

خدا رَبِّ است و رَبِّ مطلقش دان / مظاهر دارد او، با مَظْهَرش خوان

خدا خلق است اگر حَدِّش ببینی / همو حق است اگر حَدِّش نبینی

مکن اِشْکالِ در نحوِ بیانم / نکو رمزی به تو دادم ز جانم

به قول یک حکیم نکته دانی / طلب از خود ز اوّل تا به ثانی

که باشد دونِ شأنِ آدمی آن / که از جانش برون باشد دمی آن

بسی از جان و دل اِحراز میکند / و جانِ خود همی اِفرّاز میکند

اگر خود را شناسی نیک یابی / یگانه مخزن و مفتاح بابی

اگر سِرِّت گشایی گاه گاهی / بیابی مَحَرِّمِ سِرِّ الهی

به حق یابی که حق اندر درون است / و غیر جانِ تو از تو برون است

از این صغری و کبری علیلم / بیابی نکته و رمز دلیم

که علمُ النَّفْسِ این دریای آدم / بُوَد دُرِّ گرانقدر دو عالم

بُودِ نافعِ ترینِ نفعِ معارفِ / بُودِ راهی به اُنبارِ زُخارفِ

بدین معنی که حقِ اوجِ کمالِ است / کمالِ است که جلالِ است و جمالِ است

بدین معنی که حقِ جانِ جهانِ است / جهانِ همِ رشحهٔ اَسرارِ جانِ است

بدین معنی؛ درونِ را جانِ بیابی / برونِ را همهٔ اُبدانِ بیابی

که کثرتِ باشد او را عینِ وحدتِ / و مَظْهَرِ یابی کثرتِ را به حَدِّتِ

به مَظْهَرِ یابی و کثرتِ شناسی / گشایی سِرِّتِ و وحدتِ شناسی

گشایی اسمِ و رسمِ و سِرِّ اَعْظَمِ / گرتِ باشی به این معنی تو اَعْلَمِ

تویی اَعْظَمِ، تویی اَعْلَمِ به قوهِ / چو بَشْناسی؛ به فعلِ آبی ز قوهِ

از آن پس نیکِ یابی تو اِمَامتِ / چه او بابتِ بخوانی و چه مامتِ

که باشد احترامِ هر دو واجبِ / یکی باشد همی اندر مراتبِ

به انسانی رسی کو هست کاملِ / به اَفْعَالِ الهی هست فاعلِ

بیابی کو بُودِ سِرِّ تَشْیِیعِ / به این نکته بیابی تو تَرْفُوعِ

شنو از بندِ یویِ دَفْتَرْدَلِ / کُنْدِ مَسْتتِ ز بویِ عِطْرِ آن دلِ

به بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ است / که در عَالَمِ امامِ لَطْفِ عَمیمِ است